

۲۱۸۲۵

دانشگاه تربیت معلم

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

پایان‌نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته مشاوره

موضوع:

مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه
کننده برای مشاوره زناشویی (غیر متقاضی طلاق)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر باقر ثنائی ذاکر

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر شکوه نوابی نژاد

پژوهشگر:

فاطمه دهقان

۱۳۸۰
۴/۵/۳۸

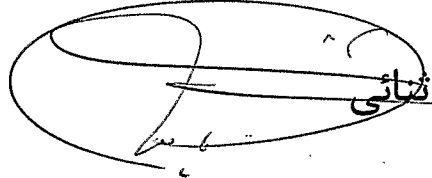
روزنامه‌های آرکایو ملی ایران
توسعه آرکایو

دانشگاه تربیت معلم

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

این پایان نامه تحت عنوان «مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی (غیر متقاضی طلاق)» در جلسه دفاعیه مورخه ۱۰/۱۰/۸۰ در حضور هیئت محترم داوران با نمره ۱۹/۲۵ و با درجه عالی مورد قبول واقع گردید.

۱۳۸۱ / ۵ / ۲۵

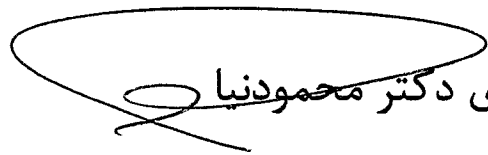


استاد راهنما: آقای دکتر نائی

وزارت آموزش عالی ایران
تربیت معلم



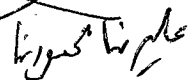
استاد مشاور: خانم دکتر نوابی نژاد



استاد داور داخلی: آقای دکتر محمودنیا

استاد داور خارجی: خانم دکتر حسینیان

مدیر گروه و نماینده محترم تحصیلات تکمیلی:



● تقدیم به مادر مهربانم که فداکاری را از لو آموختم

● تقدیم به همسرم که چگونه همراه بودن و همگام ماندن را به من آموخت

و

● تقدیم به گلهای باغ زندگی سعیده و ساجده

تشکر و قدردانی

ضمن سپاسگزاری از الطاف و عنایات خداوند متعال

از زحمات بی دریغ استاد راهنما، جناب آقای دکتر ثنائی و راهنمائیهای ارزنده استاد مشاور سرکارخانم دکتر نوابی نژاد صمیمانه تشکر می‌کنم. سرورانی که نه تنها در امر به پایان رسانیدن پایان‌نامه تحصیلی ام راهنمایی مرا به عهده داشتند، بلکه همکاری و لطف آنها بالاترین نعمتی بود که در طول تحصیل از آن بهره‌مند شدم. همچنین مراتب سپاس و قدردانی خود را نسبت به همکاری و زحمات سرکار خانم قاضی‌زاده تقدیم می‌دارم. توفیق روزافزون همه عزیزان را از خداوند متعال خواستارم.

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، "مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی" می باشد.

برای این منظور از پرسشنامه تعارضات زناشویی استفاده شده است. این پرسشنامه ۴۲ سوالی، دارای هفت مؤلفه: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنشهای هیجانی، جلب حمایت فرزندان، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و جدا کردن امور مالی، است.

سوال اصلی تحقیق این است که آیا بین تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق و زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی تفاوتی وجود دارد؟

به همین منظور یک گروه ۵۰ نفری از زنان متقاضی طلاق (مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده) و یک گروه ۵۰ نفری از زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره، به روش تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

پس از جمع آوری داده‌های حاصله، از روش آزمون آماری t برای گروههای مستقل استفاده گردید. نتایج نشان داد که:

۱- بین تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق و زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی در مؤلفه‌های، کاهش همکاری، افزایش واکنشهای هیجانی، جلب حمایت فرزند و کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، تفاوت معناداری وجود دارد.

۲- بین تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق و زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی در مؤلفه‌های، کاهش رابطه جنسی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و جدا کردن امور مالی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

و سرانجام یافته نهایی تحقیق این بود که: تعارضات زناشویی در بین زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی (غیر متقاضی طلاق) است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: موضوع پژوهش

۲	مقدمه
۶	بیان مسئله
۷	ضرورت و اهمیت پژوهش
۸	اهداف پژوهش
۹	سؤالات پژوهش
۱۰	فرضیه‌های پژوهش
۱۱	تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

فصل دوم: پیشینه پژوهش

۱۵	مقدمه
۱۷	ازدواج
۱۹	تعریف خانواده
۲۲	مراحل تحول و تکوین خانواده
۲۳	تعارضات در زندگی زناشویی
۳۵	طلاق
۴۳	مروری بر نظریات و مکاتب
۵۴	پیشینه پژوهش در خارج از کشور
۵۸	پیشینه پژوهش در داخل کشور

فصل سوم: روش پژوهش

طرح تحقیق	۶۵
جامعه آماری	۶۵
نمونه پژوهش و روش نمونه گیری	۶۶
ابزار پژوهش	۶۷
هنجارها	۶۷
نمره گذاری	۶۸
روش تفسیر نمره های مقیاس	۶۹
روایی و اعتبار ابزار	۷۱

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

فصل پنجم:

مقدمه	۹۷
بحث و نتیجه گیری	۹۸
محدودیت ها	۱۰۱
پیشنهادات	۱۰۲

منابع

ضمائم

فصل اول

موضوع پژوهش

صفحه	عنوان
۲.....	مقدمه
۶.....	بیان مسئله
۷.....	ضرورت و اهمیت پژوهش
۸.....	اهداف پژوهش
۹.....	سؤالهای پژوهش
۱۰.....	فرضیه‌های پژوهش
۱۱.....	تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

مقدمه

خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمانهای اجتماعی است که براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد. حفظ و تداوم خانواده این نهاد مقدس و مهم جامعه که براساس سنت الهی و بهم پیوستن زن و مرد شکل گرفته از اهمیت زیادی برخوردار است چنانکه در قرآن کریم آمده است:

"خلق لكم من انفسكم ازواجاً لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودةً و رحمةً (قرآن کریم، سوره روم، آیه ۲۱). خداوند همسرانی از جنس خودتان بیافرید تا وسیله دلگرمی شما باشند و مهر و عاطفه را میان شما قرار داد.

در این آیه کریمه می‌توان سه اصل و هدف از تشکیل خانواده را بوضوح تشخیص داد:

۱- مساوات: "خلق لكم من انفسكم"

۲- آرامش: "لتسكنوا اليها"

۳- مودت و مهربانی: "وجعل بينكم مودةً و رحمةً" (مکارم شیرازی، ۱۳۵۸)

خداوند در سوره روم پس از برشمردن تعدادی از آیاتش مانند آفرینش انسان از خاک، آفرینش آسمانها و زمین، در آیه فوق، ضمن این که آفرینش همسرانی از نوع انسان را بعنوان یک آیه معرفی می‌کند، خصوصیات رابطه طبیعی، سالم و رشد دهنده را بین زوجین، تسکین، مودت و مساوات می‌داند. (مظاهری، ۱۳۶۴. به نقل از مهدویان، ۱۳۷۶)

اسلام خانواده را اجتماع کوچکی می‌داند که برای پیاده‌شدن احکام و فرامین الهی شکل می‌گیرد. از دیدگاه اسلام این اجتماع، کانون عشق و مکتب کمال است. مجموعه‌ای است که در آن اعضاء با تکیه بر سنت‌ها و دستورات خداوند و پشتیبانی و حمایت یکدیگر در مسیر نیل به کمالات معنوی و سیر الی‌الله‌گردم می‌آیند. (مهلوجی،

در بین نهادهای مختلف اجتماع، کانون مقدس خانواده، بعنوان بهترین تجلی‌گاه فرهنگ حاکم بر سایر نهادها، محل ارضاء نیازهای جسمانی، عقلانی و عاطفی شناخته شده است. به این خاطر که حفظ و سلامت روابط و روند اهداف آن تأمین‌کننده سلامت جامعه است.

خانواده این نهاد بنیادی به دلیل جاودانگی خود و تأثیری که بر تثبیت و انسجام سازمانهای اجتماعی و ادیان داشته، در تمامی اعصار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این اهمیت هنگامی بیشتر احساس می‌گردد که وجود خانواده، نقشها و روابط میان اعضاء را در شکل‌گیری شخصیت و آینده انسان در نظر بگیریم. خانواده متشکل از دو گروه والدین و فرزندان بوده که برای دوام و بقاء خود نیازمند وجود تعادل میان آن دو می‌باشد. چرا که ساختار و کیفیت روابط خانوادگی متناسب با تعادل عناصر تشکیل دهنده خود تغییر می‌کند. اگر یکی از این دو گروه در تعادل نباشد تمامی روابط میان آنان دچار تزلزل می‌گردد. (پورو^۱، ۱۳۷۴)

قدرت خانواده به حدی است که حتی در صورت دوری جغرافیایی و یا حتی فوت اعضاء عضویت فرد در خانواده از بین نمی‌رود. عضویت افراد را نمی‌توان ملغی کرد، استعفا مفهومی ندارد و حتی اعضاء به دلیل فشار ناشی از حفظ عضویت در خانواده، بندرت قدرت خروج از این نظام را دارند، ستیر^۲، (۱۳۷۰، ص ۲۳۳) خانه را مهمترین مدرسه دانسته و می‌گوید: پدران و مادران در مشکل‌ترین مدرسه دنیا، مدرسه‌ای برای آدم‌سازی، تدریس می‌کنند. مدرسه آنان تعطیل آخر هفته، تعطیل تابستانی، اضافه حقوق و ارتقاء ندارد. در شبانه‌روز ۲۴ ساعت و ۳۵۶ روز در سال و

1 - Poro

2 - Virginia Satir

حداقل ۱۸ سال برای هر فرد باید انجام وظیفه کنند. علاوه بر این خانه دو رئیس دارد و معلوم است که با وجود دو رئیس چه مشکلاتی پیش می‌آید. این وظیفه سخت‌ترین، پیچیده‌ترین، پر اضطراب‌ترین و پر زحمت‌ترین کار است و احتیاج به حد اعلای گذشت، نرمش خلق، کاردانی و آگاهی دارد.

با توجه به تعامل‌های مستمری که ارگان‌های خانوادگی از یک سو با اعضاء خود و از سوی دیگر با اجتماع دارد به نظر می‌رسد کانون اصلی سلامت یا بیماری اعضاء خود می‌باشد.

در جوامع امروزی، میزان طلاق افزایش یافته، فاصله بین نسل‌ها بیشتر و بسیاری از وظایف خانوادگی به مدرسه و سایر نهادها و سازمان‌ها واگذار شده است. چه مشکلی حادث شده است؟ چرا این تغییرات پیدا شده؟ و آیا در گذشته مشکلاتی وجود نداشته است.

آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که چرا بعضی از خانواده‌ها با تفاهم و سازگاری زندگی را با شادکامی می‌گذرانند در حالی که گروهی دیگر به عکس در حل و فصل ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین مسائل زندگی با دشواری و سردرگمی مواجه‌اند. چگونه است که بسیاری از خانواده‌ها به رغم مشکلات عینی و ملموس نظیر فقر، بیماری و مشکلات از زندگی بهنجار و به سامانی برخوردارند. در حالی که گروه دیگر با وجود برخوردار بودن از همه‌گونه امکانات مادی و وسایل راحتی، در گردابی از گرفتاریها و مشکلات غوطه‌ور هستند. آیا به راستی مشکلات زناشویی غیرقابل حل است؟

زن و شوهری که پیوند زندگی می‌بندند و با هم در آغاز راه شروع به گام برداشتن می‌کنند در ایده‌آلهای ذهن خود کمتر به فکر بروز اختلاف و تعارض^۱ بین خود می‌افتند

در حالیکه بروز تعارض در روابط انسانها، با یکدیگر اجتناب ناپذیر است. یعنی بحث و جدل و مشاجره در تمام رابطه‌ها بروز می‌کند. در خانواده‌ها فراوان دیده می‌شود که حتی دو خواهر و برادر متناوباً با یکدیگر دعوا و بازی می‌کنند.

در رابطه زناشویی اشتباهاً تصور می‌شود که وقتی دو نفر به یکدیگر رسیدند باید تا ابد خوب و خوش زندگی کنند و از گل نازک‌تر به یکدیگر نگویند، چنین تصویری اشتباه محض است. بعید است که زندگی و همنشینی حتی با نزدیکترین و عزیزترین کسان نیز مطلقاً عاری از تعارض باشد. پس صحیح آن است که هر زوج جوانی احتمال بروز تعارض در رابطه با همسر خود را بپذیرد؛ نه اینکه به محض بروز تعارض به این فکر بیفتد که اشتباه کرده‌اند و همسرشان مناسب آنها نیست. زیرا این تصور مقاومت آنها را برای حل مشکلات زناشویی خود با همسرشان افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تعارض آنها حل نشود و دامنه وسیعتری پیدا کند. در ازدواج باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه زناشویی و زندگی مشترک با هر کسی است. پس باید زن و شوهرها یاد بگیرند که تعارضهای خود را حل کنند تا خوشبخت شوند، اگر چنین نکنند، ممکن است کار آنها به جدایی بکشد. (ثانی، ۱۳۷۵. به نقل از نورخانی، ۱۳۷۷) و یا این که تعارض آنها تا هنگام بزرگ‌شدن و رفتن بچه‌ها از خانه مسکوت و در حالت کمون باقی بماند و عاقبت هم زن و شوهر بعد از ۳۰ سال زندگی مشترک طلاق بگیرند. (همان منبع)

به قول کیوچیونگ^۱ (۱۹۹۶) تعارض یا ناسازگاری در زندگی زناشویی امر پیش پا افتاده‌ای است اما روش حل تعارضات زناشویی می‌تواند تأثیر مهمی بر عملکرد کودکان، خشنودی زوج و تفاهم بین آنها بگذارد.

تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و یگانگی آن لطمه می‌زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق و پرخاشگری و ستیزه‌جویی و سرانجام اضمحلال و زوال خانواده می‌گردد. کانون خانواده‌ای که بر اثر تعارض و نفاق و جدال بین پدر و مادر آشفته است، آثاری در دوران کودکی به جای می‌گذارد که چندین سال بعد به صورت عصیان جوانی و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند.

بیان مسأله

از آنجا که بروز تعارض در روابط انسانها با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است و باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه زناشویی در زندگی مشترک است و از آنجا که یکی از مسائل عمده جوامع امروزی در عصر حاضر افزایش سرسام‌آور طلاق است و میزان طلاق نیز در ایران به ۱۲٪ افزایش پیدا کرده است. (غایبی‌نژاد، ۱۳۷۸) و این میزان در آمریکا تقریباً به ۵۰٪ رسیده است. (گلیک^۱، ۱۹۸۴). به نقل از بهاری (۱۳۷۹) لذا شاید بتوان گفت که با افزایش شدت تعارضات زناشویی احتمال طلاق نیز افزایش پیدا می‌کند. البته پژوهشگر به تجربه شاهد زنانی بوده است که علیرغم داشتن معضلات بسیار در زندگی زناشویی خود، ولی به هیچ وجه حاضر به جدایی و طلاق قانونی نبوده بلکه نوعی طلاق روانی در بین اینگونه همسران حاکم بوده است. شاید بتوان دلایل فرهنگی و سنتی را برای توجیه این مسأله عنوان کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر درصدد بررسی و "مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق و زنان مراجعه‌کننده برای مشاوره زناشویی"، می‌باشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

انسان به حکم فطرت و طبیعت اجتماعی خود نیازمند همدمی است که با او زندگی کند و در کنار او آرامش یابد. این امر هم ضرورتی است در کمال انسان و هم آن که بدون آن رشد همه جانبه و شکوفایی استعدادها و قابلیت‌ها میسر نخواهد بود. هرچند "ازدواج" یک امر قراردادی است ولی این پیمان را به سادگی نمی‌توان فسخ کرد. زیرا آثار روانی آن از یکسو به فرو ریختن کانون گرم خانواده و اختلال در ارتباط والدین با فرزندان منجر می‌شود و از سوی دیگر آسیب‌های اجتماعی از جمله بزهکاری، اعتیاد، جرم و جنایت و فقر را بدنبال خواهد داشت.

در واقع یکی از مسائل عمده جوامع امروزی در عصر حاضر افزایش سرسام‌آور طلاق است. کمتر کسی است که با مراجعه به دادگاه‌های خانواده و هم صحبت شدن با همسرانی که جهت طلاق مراجعه نموده‌اند، متأثر و اندوهگین نشود. حتی یک فرد عادی و غیر متخصص نیز در هنگام مصاحبت با این افراد متوجه نگرانی و افسردگی آنها می‌شود و اغلب این پرسش به ذهنش می‌رسد که آیا به راستی مشکلات زناشویی غیرقابل حل هستند، ریشه این مشکلات در کجاست؟

این پرسش‌ها بر ضرورت شناخت بیشتر این مشکلات و بررسی علل و عوامل مرتبط با آنها تأکید دارد. پژوهشگر به دفعات با مراجعه به دادگاه خانواده و مصاحبه با همسران با نیاز آنها به دریافت کمک‌های حرفه‌ای مشاوره از طریق، ابراز تمایل و درخواست ایشان به معرفی متخصص، مواجه شده است. پژوهش حاضر از این جهت اهمیت دارد که درصدد بررسی و مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق و زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی است.

زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره جهت مشاوره زناشویی دارای مشکلات